

بازی شیرین و تلخ زندگی

۵۶ سال دارم و چندسالی است سرپرست خانوار شده‌ام. رسم زندگی همیشه همین بوده و قرار نیست دنیا برایت روی یک چرخ بچرخد. به رسم مادر بزرگ‌ها و همه دختران کودکی‌ام را کودکی کردم و نوجوانی را با آموختن فن خانه‌داری گذراندم و در نهایت بانویی شدم که می‌توانست امور خانه‌ای را به‌عهده بگیرد. کمی که قد کشیدم رفت‌وآمدهای هرازگاهی خانه‌نشان از این داشت که باید به خانه بخت بروم و خانه‌پدیری را ترک کنم. هم شاد بودم و هم غم‌گین اما به این موضوع واقف بودم که سرنوشت همین است و باید تسلیم آن شد. به انتخاب خانواده‌ام میان آدم‌هایی که به‌خانه‌مان رفت‌وآمد داشتند، یکی انتخاب شد و در مقابل ۲۰۰ تا تک‌تومان «بله» را گفتم و راهی خانه شوهر شدم. هر دو کم‌سن‌وسال بودیم و پراز شوق زندگی. همسرم شغل ثابتی نداشت و خانواده‌ام به پشتوانه خانواده‌اش او را به دامادی قبول کرده بودند. یک‌ماه بعد از ازدواج راهی تهران شدم و «محمد» در یک مغازه مکانیکی شروع به کار کرد و زوره زره اسباب‌زندگی را تهیه کردیم. پدر «محمد» بر این باور بود که پسرش باید روی پای خودش بایستد و برای همین با اینکه تمکن مالی داشت، از ما حمایت نکرد و ما دست‌خالی آمدیم تهران. اما با همه سختی‌ها، زندگی زیبایی‌های خودش را داشت. «محمد» شغل‌های مختلفی را امتحان کرد اما هیچ‌وقت بی‌کار نبود و چرخ زندگی‌مان می‌چرخید تا اینکه بالاخره به توصیه یکی از دوستانش پس‌اندازی که سال‌ها جمع کرده بودیم، کامیونی خرید و شتراندازه‌جاده زندگی کمی سخت شد؛ بچه‌دار شده بودیم و دو دخترم با یک‌سال فاصله به دنیا آمده بودند و همسرم بیشتر اوقات در جاده بود، اما من راضی بودم چون زندگی‌مان بهتر شده بود. بچه داشتیم و باید به فکر آینده‌شان می‌شدیم. روزها و ماه‌ها پشت‌سر هم می‌آمدند و بچه‌ها بزرگ‌تر می‌شدند و ما پیرتر. همه چیز خوب بود و همین که روزهای سخت و دوری تمام می‌شدند جای شکرش باقی بود. برای خودمان خانه‌ای خریده بودیم و ماشینی داشتیم که وقتی همسرم تهران بود، مسافرت برویم و همگی کنار هم خوش باشیم. حالا دیگر پسر هم دنیا آمده بود. هرچه به همسر می‌گفتم کامیون را بفروش و مغازه‌ای چیزی در همین تهران بر پا کن گوش نمی‌داد که نمی‌داد و هر بار که این موضوع پیش می‌آمد می‌گفت: «نگذار این سفر را بروم و بیام چشمه‌می‌نشینیم و دربارش حرف می‌زنیم.» اما هیچ وقت این اتفاق نیفتاد و بیشتر عمرمان را از هم دور بودیم. همان ابتدا که ازدواج کردیم هیچ علاقه‌ای به «محمد» نداشتیم و با آن سن‌وسال فکر می‌کردم مثل همه دخترها باید ازدواج کنم و بچه‌دار شوم اما به مرور عاشق «محمد» شدم و عشق واقعی را بپوست و استخوانم لمس کردم. عشقی که حالا سال‌ها بعد از «محمد» در من وجود دارد و به من امید می‌دهد تا زندگی را ادامه بدهم. یک تصادف «محمد» را برای همیشه از من گرفت؛ تلخ‌ترین اتفاق زندگی‌ام. ماه‌های اول گیج بودم و نمی‌دانستم با این غم چه باید بکنم اما به خاطر بچه‌ها خودم را جمع‌وجور کردم و به بچه‌ها فکر کردم. چیزی از کامیون باقی نمانده بود و پولی که پس‌انداز داشتیم و به کمک پدرم تا کسی‌ای خریدم و حالا سال‌هاست زندگی‌مان کمی بهتر شده است. ما چهار نفر هستیم و آن‌ها هم «محمد» پادم‌داده بود. یکی از دخترها را با همین تاکسی فرستادم خانه بخت و خدا را شکر داماد خوبی نصیب شده و اگر عمری باشد دوتای دیگر را هم عروس و داماد می‌کنم و بعد از آن با خیال راحت می‌نشینم خانه و سرگرم نوه‌هایم می‌شوم. زندگی خود مجموعه همه تجربیاتی است که ما از سر می‌گذرانیم؛ «ن» یعنی زجر، «ن» یعنی نادانی و نداری، «د» یعنی دانایی و درایی، «گ» یعنی گرفتاری و «ی» یعنی یاری‌یاری.

عکس نوشت

مسافران تابستانی «جوهرده»

ایسنا | «جوهرده» یا به زبان گیلکی جوژده، یکی از روستاهای شهرستان رامسر در استان مازندران است که در فاصله ۲۷ کیلومتری رامسر در دهستان سخت‌سر و در ارتفاعات ۲ هزار متری البرز قرار دارد. جمعیت روستای «جوهرده» بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۹۸۰ نفر است که این جمعیت هرگز در تمامی طول سال ساکن این روستای مدرن نیستند؛ چرا که تنها چهار ماه از سال در این روستا مردم زندگی می‌کنند و در ماه‌های دیگر سال جز چند نفر نگهبان و سریدار کسی در آن جاساکن نیست.



در هر اتاقی، محل‌های امن را مشخص کنید (مثلاً زیر یک میز محکم یا کنار ستون‌ها یا دیوارهای مجاور آنها).

سفر خارجی ایرانی‌ها ۸/۶ درصد کمتر شد

احتکار خانگی نکنید

گزارش «شهروند» از هیجان این روزهای مردم برای خریدهای بی‌اندازه از فروشگاه در گفت‌وگو با مدیران دو فروشگاه زنجیره‌ای که می‌گویند مشکلی برای تامین کالا نیست و جنسی نایاب نمی‌شود



زهره جعفرزاده | صف‌های طولانی پای صندوق فروشگاه‌های زنجیره‌ای، خالی شدن بعضی قفسه‌ها از برخی کالاها، خریدهای بیش از حد و خارج از نیاز، بحث‌های مداوم درباره گرانی و کم شدن کالاها و... همه یک نشانه دارد: نگرانی. از اوایل شهریور بود که خبر رسید کالاها سلولزی که همان پوشک بچه و نوار بهداشتی و... است، در بازار کم شده و هم‌زمان با آن عکس‌ها و خبرهایی منتشر شد که ولع مردم را برای خرید این کالاها نشان می‌داد. قفسه پوشک و نوار بهداشتی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای هنوز هم خالی است و هر چقدر کارکنان فروشگاه‌ها پرش می‌کنند، باز هم خالی می‌شود. اقلام کنسروی هم با اختلاف زیاد در رتبه دوم سبید خرید مردم قرار گرفته، مردم در حال احتکار خانگی‌اند. ترسشان از روزهای سختی است که ممکن است در آینده گریبانشان را بگیرد و به گفته مدیران فروشگاه‌های زنجیره‌ای با نزدیک شدن به فاز دوم تحریم‌ها، این نگرانی‌ها هم بیشتر می‌شود. با همه اینها، آنها که در این بازار فعالند و قبول دارند که بعضی از کالاها با کمبود مواجه شده‌اند اما این اطمینان را می‌دهند که بازار از کالا خالی نمی‌شود، ما دچار قحطی نمی‌شویم و وضع فعلی بازار از نظر کالایی خوب است؛ فقط قیمت‌ها هستند که روند صعودی به خود گرفته‌اند و همچنان هم ادامه دارد.

نگرانی اجتماعی داریم

امیر خسرو فخریان، رئیس اتحادیه فروشگاه‌های زنجیره‌ای و مدیرعامل فروشگاه‌های زنجیره‌ای افق کوروش است. گزارش‌های رسیده از فروشگاه‌های زنجیره‌ای، به او هم نشان داده که مردم بشدت دنبال خریدند اما خریدهایشان، بیشتر در گروه کالاها سلولزی است، یعنی همان نوار بهداشتی و پوشک: «تنها کالایی که بشدت از سوی مردم خریده می‌شود، همین کالاهاست، هنوز هم این موج ادامه دارد، چراکه کارخانه‌ها نمی‌توانند کالا را تأمین کنند و برخی هم از مدار تولید خارج شده‌اند. در بخش‌های دیگر، با افزایش خرید زیادی مواجه نبوده‌ایم.» آن‌طور که آمارها نشان می‌دهند، میزان خرید از فروشگاه‌های زنجیره‌ای در نیمه اول شهریورماه نسبت به مدت مشابه مسرداد، حدود ۱۰ درصد افزایش پیدا کرده اما به گفته مدیران این فروشگاه‌ها، بخشی از افزایش خرید به دلیل آغاز سال تحصیلی است. شنیده‌ها از برخی فروشگاه‌ها، آمارهای دیگری از خرید می‌دهند، اینکه خرید گوشت هم نسبت به سایر کالاها بالا رفته. فخریان به‌عنوان رئیس اتحادیه فروشگاه‌های زنجیره‌ای می‌گوید که احتمالاً اینها گوشت‌های منجمد بوده که کاهش قیمت داشته‌اند. با همه اینها، او هم تأیید می‌کند که مردم همچنان خرید پیدا کرده‌اند اما معتقد است که اینها نشأت‌گرفته

رئیس اتحادیه فروشگاه‌های

زنجیره‌ای در گفت‌وگو با «شهروند»: مردم دچار نگرانی اجتماعی شده‌اند

• اتفاقی که مردم را نگران کرده، بالا رفتن قیمت‌هاست، مثلاً در گروه میوه ۱۰ درصد، در لبنیات و تخم‌مرغ ۵۰ درصد، در شوینده‌ها ۲۵ درصد و در روغن هم در دو دوره، یک‌بار ۹ درصد و یک‌بار ۱۷ درصد افزایش قیمت داشتیم

• تمام تلاش فروشگاه‌های زنجیره‌ای این است که کالاها کمبودی نداشته باشند و در حال حاضر هم اوضاع خوب است

هم است: «من هجومی برای خرید ندیده‌ام، روند جز در همان کالاها سلولزی، عادی است، اما اتفاقی که افتاده بالا رفتن قیمت‌هاست، مثلاً در گروه میوه ۱۰ درصد، در لبنیات و تخم‌مرغ ۵۰ درصد، در شوینده‌ها ۲۵ درصد و در روغن هم دو دوره، یک‌بار ۹ درصد و یک‌بار ۱۷ درصد افزایش قیمت داشتیم.» شنیده‌ها حکایت از ادامه روند افزایش قیمت‌ها دارد و به گفته فخریان، برنامه مدونی برای کنترل قیمت دیده نمی‌شود: «ظاهراً بخشی از این افزایش قیمت‌ها خارج از کنترل است.»

با همه اینها اما رئیس اتحادیه فروشگاه‌های زنجیره‌ای از مردم می‌خواهد که آرامش داشته باشند، چراکه هجوم برای خرید اوضاع را بدتر می‌کند: «مشکلات ما بخشی به دلیل تخصیص

ارز است و بخشی هم بالا رفتن قیمت‌ها. سازمان حمایت از مصرف‌کننده با افزایش قیمت کارخانه‌ها مخالف است، برخی از کارخانه‌ها تولید نمی‌کنند، از سوی دیگر مواد اولیه به اندازه کافی وارد نشده و همین باعث می‌شود تا در نهایت عرضه و تقاضا با هم برابر نشوند.» هیچ‌کس نمی‌داند چه اتفاقی قرار است بیفتد، اما فخریان این اطمینان را می‌دهد که تمام تلاش فروشگاه‌های زنجیره‌ای بر این است که کالاها کمبودی نداشته باشند و در حال حاضر هم اوضاع خوب است: «به‌رحال دولت‌مردان باید پاسخگو باشند.»

• آغاز هیجان خرید از هفته پایانی تیرماه با این که رئیس اتحادیه فروشگاه‌های زنجیره‌ای می‌گوید که خرید مردم محدود به برخی از کالاهاست، اما مسعود سریع‌القلم، مدیرعامل فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهروند براساس گزارش‌های رسیده از فروشگاه‌هایش می‌گوید که از هفته پایانی تیرماه روند خرید در فروشگاه‌ها بالا رفته، اما در عین حال متفقد است که اینها همه هیجان خرید است: «وقتی ما رفتار مشتری و نوع کالاهایی که می‌خرد را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم تحت‌تأثیر موضوعات روز است. البته اتفاق دیگری هم در چند ماه گذشته رخ داده و آن

با افزایش نرخ عوارض خروج سفر ایرانی‌ها به خارج از کشور ۸/۶ درصد کاهش داشته است. این خبری است که رییس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری اعلام کرده است. علی‌اصغر مونسان بدون آن که به جزئیات آمار گردشگران خروجی از ایران اشاره کند، گفت: «براساس آمار مربوط به چهار ماه نخست سال، از ابتدای فروردین تا تیرماه، تعداد گردشگر خروجی ۸/۶ درصد کاهش داشته که این امر صرفه اقتصادی خوبی برای کشور ایجاد کرده است.» او همچنین درباره طرح حذف مهر ویزای ایران از پاسپورت گردشگران ورودی، به خانه ملت توضیح داد: «براساس صحبت‌های انجام شده با نیروی انتظامی مشکلی در این زمینه وجود ندارد و عزیزان وزارت خارجه نیز با این پیشنهاد همراه هستند؛ تمام مشخصات گردشگر ورودی در کامپیوتر هائیتی می‌شود بنابراین با عملی کردن این پیشنهاد مشکل امنیتی ایجاد نمی‌شود.»

و ... بالا رفته. با این که دولت در تلاش برای حل مشکل است، اما بازار رفتار دیگری از خود نشان می‌دهد.»

رفتار مردم برای خرید هیجانی است

با این که قیمت‌ها در حال افزایش است و در گوشه‌کنارها، حرف‌های زیادی درباره کمبود برخی اقلام به گوش می‌رسد، اما مدیرعامل فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهروند می‌گوید که رفتار مردم برای خرید، بیشتر هیجانی است و به نظر می‌رسد به این زودی‌ها فروکش نمی‌کند: «مردم وضع الان را با ۴۵ روز دیگر که تحریم‌ها علیه ایران جدی‌تر می‌شود، مقایسه می‌کنند. البته امیدوارم دولت فکری بکند تا فشار مضاعف به مردم وارد نشود و این اطمینان را بدهد که هیچ اتفاقی نمی‌افتد.» به گفته او در ایران همه چیز تولید می‌شود، اما

کمبودهایی وجود دارد، مردم تصور می‌کنند با تشدید تحریم‌ها، بازار از اقلام خالی می‌شود و آنها ناچار می‌شوند کالاها را با قیمت بالاتری از احتکارگران بخرند.

با این که خریدهای مردم بیش از حد معمول است، اما مدیرعامل فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهروند اعتقاد به ایجاد محدودیت خرید برای مردم ندارد: «ما به آنها توصیه می‌کنیم که در صورت نیاز نداشتن، به اندازه مصرفشان خرید

کنند، چون واقعا جای نگرانی نیست. الان مردم کالاها سلولزی، کنسرو، رب گوجه‌فرنگی و... را زیاد می‌خرند، بخشی از این کالاها صادر می‌شود، به همین دلیل در بازار کم شده‌اند، اما به‌طور کلی مشکلی برای تولید نداریم.» به گفته او هیجان زیاد خرید مردم در همه مناطق تهران دیده می‌شود که نشان می‌دهد میزان نگرانی در همه جای شهر یکسان است.

پیش از این در اوج تحریم‌ها و دوره‌های قبلی هم فروشگاه‌های شهروند موج شدید خرید را به خود دیده‌اند، زمانی که مردم تصور می‌کردند قرار است قحطی به ایران بیاید و حالا هم همین نگرانی را دارند. اما سریع‌القلم می‌گوید که این اتفاق هیچ وقت در ایران نمی‌افتد: «کشوری مانند ایران با این حجم از امکانات و شرایط اقلیمی و دسترسی به آب‌های آزاد به هیچ وجه دچار قحطی نمی‌شود.»

هم بالا رفتن شدید قیمت ارز در بازار غیررسمی است.» به گفته او این افزایش خارج از استاندارد بود که همه پیش‌بینی می‌کردند. افزایش قیمت دلار به‌طور معمول از بهمن سال گذشته کلید خورد و در نوروز امسال به بیش از ۵ هزار تومان هم رسید، یک دوره انقباضی نیز در فروردین و اردیبهشت و ماه رمضان داشت و بعد از ماه رمضان، قیمت دلار شتاب گرفت. به‌رحال مردم به بازار می‌آیند، قیمت‌ها را رصد می‌کنند و می‌بینند کالاهایی که قبلاً هزار تومان بوده، قیمتش به ۱۵۰۰ تومان رسیده، بنابراین با خودشان بررسی می‌کنند که تا ۶ ماه دیگر قیمت همان کالا به ۵ هزار تومان هم می‌رسد، به همین دلیل شروع مردم نگرانی؛ نگران این‌که در ماه‌های آینده

با اوج گرفتن تحریم‌ها، همین کالاهایی که امروز می‌توانند بخرند، پیدا نشود. سریع‌القلم هم تأیید می‌کند که مردم می‌ترسند کالاها نایاب شود، به همین دلیل خریدهایشان را زیاد کرده‌اند: «ما افرادی را در فروشگاه‌ها می‌بینیم که بیش از نیازشان خرید می‌کنند، وقتی به آنها می‌گوییم که خیالتان راحت باشد، اتفاقی نمی‌افتد، به ما می‌گویند ما دیگر به حرف‌های شما اعتماد نمی‌کنیم. اما بعداً مشکل پیش می‌آید.»

حالا فقط مردم نیستند که برای خرید کالاها مورد نیازشان نگرانی دارند، فروشگاه‌ها هم برای تامین برخی کالاها با مشکل مواجه شده‌اند: «در سه هفته گذشته ما واقعا در تامین کالاها سلولزی، گوشت تنظیم بازار و کنسروها، با مشکل مواجه بوده‌ایم.» چرا کنسروها؟ سریع‌القلم می‌گوید که در این کنسروها از خارج وارد می‌شود، به همین دلیل حالا با مشکل واردات مواجه شده‌ایم. اما ماجرا تنها به این چند قلم محدود نمی‌شود، تامین لوازم خانگی هم در این مدت با چالش مواجه بوده است: «واقعا قیمت‌ها بالا رفته، ما در جلسه‌ای که با وزیر صنعت، معدن و تجارت داشتیم، گفتیم که تامین کالاها سخت شده، بیشتر حرف ما هم بر سر کالاها اساسی بود، نه کالاها لوکس. قیمت برنج و روغن و گوشت